

بررسی انتقادی نظرات فقیهان در مشروعیت درآمدِ عامل اول در مضاربهٔ ثانیه با تأکید بر اندیشهٔ شهید صدر

سید عباس دیانت مقدم

نویسنده مسئول، سطح ۳ رسمی حوزهٔ علمیهٔ خراسان و دبیر حلقهٔ فقه‌الاقتصاد مدرسهٔ عالی فقهات، مشهد، ایران. رایانامه: s.a.dianat@gmail.com

چکیده

در توزیع درآمد بین عوامل تولید، اقتصاد سرمایه‌داری و مارکسیسم معیارهایی ارائه کرده‌اند. نئوکلاسیک‌ها بحث عرضه و تقاضا در بازار آزاد را معیار توزیع درآمد و ملاک مشروعیت آن به حساب می‌آورند و مارکسیسم بر کار تأکید می‌کند. ضرورت این بحث در اقتصاد اسلامی از آن حیث است که کشف معیار مشروعیت درآمد از نظر اسلام به ما امکان اظهار نظر روش‌مند در مورد بزرگترین نهادهای مالی یعنی بانک و بورس را می‌دهد و از اظهار نظرهای سلیقه‌ای و بدون مبنا جلوگیری می‌نماید. معیار مشروعیت درآمد از نظر اسلام چیست؟ در میان متفکرین شیعه شهید صدر به صورت شفاف به این بحث پرداخته و بر "کار" به عنوان معیار انحصاری مشروعیت درآمد تأکید می‌کند. با توجه به این نکات، واکاوی این امر که معیار یا معیارهای مشروعیت درآمد، در فقه اسلامی چیست؛ از مهم‌ترین مباحث اقتصاد اسلامی به شمار می‌آید. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نشان داده در مضاربهٔ ثانیه بحث از حیث روایی شفاف نیست و برای کشف معیار مشروعیت درآمد در مضاربهٔ ثانیه نیازمند توسعهٔ بحث به مزارعه هستیم. در نهایت این مقاله مایل است معیار "کار غیر مستقیم ریسک‌پذیر" را به عنوان معیاری برای مشروعیت درآمد معرفی نماید.

کلیدواژه‌ها: کار، معیار مشروعیت درآمد، مضاربهٔ ثانیه، ریسک، توزیع عادلانهٔ درآمد.

مقدمه

معیار مشروعیت درآمد از دیرباز مورد دقت پژوهشگران حوزهٔ اقتصادی است. البته هر نظام اقتصادی مبتنی بر مباحث هنجاری خود این معیار را تبیین خواهد نمود. این بحث در آثار اقتصاددانان کلاسیک مثل اسمیت و بعد از او در کلمات ریکاردو مطرح شده و گفتگوی در مورد این مسئله، بعد از ایشان نیز تداوم یافته‌است. از نظر نئوکلاسیک‌ها درآمد زمانی مشروع است که از طریق مبادلهٔ داوطلبانه در بازاری رقابتی به دست بیاید و فرد با رضایت کامل و بدون اجبار، کالا یا خدمتی را در ازای دریافت پول یا کالا/خدمت دیگری مبادله کند. طبق این مبنا اگر درآمدی بر اساس قمار به دست آید؛ مشروع است؛ همچنین اگر درآمدی بر اساس فحشای رضایت‌مندانه به دست آید؛ مشروع است. در بورس نیز وقتی معاملاتی بر اساس رضایت شکل گیرد و عده‌ای یک شبه به عرش برسند و دیگران بر فرش نشینند؛ مشروع است؛ چراکه همه بر اساس رضایت و در بازاری آزاد و ذیل عرضه و تقاضا به دست آمده‌است. به این دلیل است که یکی از مهم‌ترین مفارقات اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری، معیار مشروعیت درآمد است.

این بحث به صورت پرننگ در کلمات مارکس مورد دقت قرار گرفته و او کار را به عنوان معیار مشروعیت بخش درآمد معرفی نموده که مبنای اقتصاد مارکسیسم قرار گرفت و حال سوال این است که مبنای نظام اقتصاد اسلامی در مشروعیت درآمد عامل اول در مضاربه ثانیه چیست؟ و رسیدن به پاسخ این سوال مقدمه‌ای است برای رسیدن به پاسخ سوالی ریشه‌ای‌تر که آیا کار و ریسک در نظام اقتصاد اسلامی معیار مشروعیت درآمد هستند یا فقط کار یا معیارهای دیگری نیز قابل ارائه است؟

سیاست‌گذاری‌های صحیح اقتصادی، تنظیم مشروع قوانین مالی در بورس و بانک و اظهار نظر روش‌مند در مورد درآمدهای به‌دست آمده در یک اقتصاد، مبتنی بر روشن بودن معیار مشروعیت درآمد است. موضوع این مقاله معیار «کار غیر مستقیم ریسک‌پذیر» در مشروعیت بخشی به درآمد حاصل از مضاربه ثانیه است. با اثبات فرضیه این تحقیق: می‌توان مدعی شد در مضاربه ثانیه، «کار غیر مستقیم ریسک‌پذیر» معیار مشروعیت بخش درآمد است و این با نظر شهید صدر متفاوت است. جمع کلام فقیهان در مضاربه ثانیه با هدف کشف معیار مشروعیت درآمد و بررسی نقادانه آن، از نوآوری‌های این مقاله است.

۱- پیشینه پژوهش

شهید صدر در اقتصادنا در مبحث توزیع بعد از تولید، در چینش اجزای نظام اقتصاد اسلامی مایل است کار به تنهایی معیار مشروعیت درآمد باشد. او می‌نویسد: در خلال سازمان تولیدی، جز ریزش کار، درآمد منشاء دیگری ندارد. (اسپهدی، ۱۳۵۷، ص. ۲۲۱)؛^۱ این فقیه ذیل عنوان «دور المخاطرة فی الاقتصاد الإسلامی»، در مورد ریسک گفته است: ریسک و مخاطره نمی‌تواند به عنوان عاملی از عوامل کسب به حساب آید. و به همین دلیل است که در باب مضاربه علت شراکت صاحب سرمایه در سود، به خاطر پذیرش ریسک نیست؛ بلکه ناشی از ملکیت صاحب مال نسبت به مالی است که عامل مضاربه با آن تجارت کرده است. و همچنین درآمد قمار نیز مبتنی بر مردود بودن جایگاه مخاطره در درآمدزایی؛ مشروعیت ندارد. (الصدر، ۱۴۳۴، ص. ۷۰۵)؛ این فقیه به صورت خاص در مورد مضاربه ثانیه و سودبری عامل اول بدون انجام کار اینگونه می‌نگارد: پس از انعقاد مضاربه، عامل نمی‌تواند سرمایه را با درصد سودی کمتر از آنچه در مضاربه اول منظور شده بود، به دیگری واگذار نماید و به این ترتیب تفاوت دو نسبت را تصاحب کند. به عنوان نمونه اگر عامل اول با صاحب سرمایه توافق کرده باشند هر کدام ۵۰ درصد از سود حاصله را برداشت نمایند؛ او حق ندارد سرمایه را در اختیار شخصی دیگری بگذارد که با آن کار کند و درصد منافع را به نسبت ۲۵ و ۷۵ درصد تقسیم نماید؛ زیرا در این صورت که عامل دوم ۲۵ درصد و عامل اول ۷۵ درصد از منافع را برداشت می‌کند؛ عامل اول بدون آنکه کاری انجام داده باشد؛ ۲۵ درصد از منافع را

^۱ تعبیر به ریزش کار از سوی این فقیه برای این است که هم شامل کار مستقیم شود که اجیری انجام می‌دهد و اجرتی می‌گیرد و هم شامل کار تجسم یافته شود. مراد این فقیه از این اصطلاح این است که وقتی شخصی وسیله بانفدگی را به دیگری اجاره می‌دهد و در قبال این اجاره، پولی دریافت می‌کند؛ درست است اجاره‌دهنده کار مستقیمی نمی‌کند؛ اما کار انجام شده توسط این ابزار کار، کاری است منفصل از صاحبش که در گذشته انجام شده است. به بیان دیگر این چرخ بانفدگی تجسم کاری است که در گذشته انجام شده است. (تعبیر ایشان این است: أن الأداة تجسّد عملاً مختزناً) بنابراین باز هم اجاره‌بهای دریافت شده توسط اجاره‌دهنده؛ مبتنی بر کار است. (الصدر، ۱۴۳۴، ص. ۶۹۱ و اسپهدی، ۱۳۵۷، ص. ۲۲۱)

به دست آورده است. محقق حلی در فصل مضاربه کتاب شرایع این اقدام را غیرقانونی می‌داند. او در کتاب شرایع اینگونه می‌نویسد هرگاه عامل سرمایه‌ای را به عنوان مضاربه در اختیار دیگری قرار دهد؛ اگر این عمل با اجازه صاحب سرمایه باشد و تصمیم بر تقسیم سود بین صاحب سرمایه و عامل دوم گرفته باشند بلامانع است؛ ولی اگر قرار باشد از سود سهمی به عامل اول نیز برسد این درست نیست زیرا عامل اول کاری انجام نداده است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج. ۲، ص. ۱۱۵)؛ در حدیث است از امام (ع) پرسیدند عامل می‌تواند مال را با سود کمتر در اختیار شخص دیگری قرار دهد؟ فرمود: نه. (اسپهبدی، ۱۳۵۷، ص. ۲۰۷)؛^۲ البته خود شهید صدر در قسمتی دیگر در بحث مضاربه گفته: اگر عملیات تجاری منتهی به ضرر شد؛ این ضرر به صاحب مال می‌خورد و او متحمل ضرر می‌شود؛ نه عامل. و صاحب سرمایه مجاز نیست خسارت را به عامل تحمیل نماید و اگر عامل قبول خسارت کند سودی به صاحب سرمایه تعلق نخواهد گرفت. ایشان در این قسمت تصریح می‌کند ریسک‌پذیری نسبت به صاحب مال و اینکه عامل، ضامن خسارت نسبت به سرمایه نشود؛ شرط صحت مضاربه است. (الصدر، ۱۴۳۴، ص. ۶۷۲ و اسپهبدی، ۱۳۵۷، ص. ۲۰۶)؛ شهید صدر در این بیان تاثیر عامل ریسک را در مشروعیت درآمد فی‌الجمله قبول کرده است و این بیان با بیان قبلی ایشان که کار را تنها معیار موثر در مشروعیت درآمد دانست؛ ناسازگار است؛ زیرا در بیان اخیر ریسک‌پذیری صاحب سرمایه در مشروعیت سودبری او تاثیر دارد و اگر این ریسک‌پذیری نباشد؛ مضاربه و سود او صحیح نخواهد بود؛ بنابراین ریسک‌پذیری به صورت فی‌الجمله در مشروعیت درآمد تاثیرگذار است.

در مقاله «بررسی فقهی کسب سود بدون قبول ریسک سرمایه»، فقط به لزوم پذیرش ریسک از سوی صاحب سرمایه مضاربه تاکید شده و در باب معیار مشروعیت درآمد و تطبیق آن بر مضاربه ثانیه صحبتی نشده است. (یوسفی؛ ۱۴۰۱)؛ اما بکتاش در مقاله «مشروعیت درآمدزایی، ریسک و مخاطره در بازارهای مالی از دیدگاه فقه امامیه»، مصباحی مقدم در مقاله «بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک» و بحرینی در مقاله «بررسی نظریه ریسک (مخاطره) در اقتصاد اسلامی با رویکرد فقهی»، فقط از ریسک و مشروعیت بخشی آن نسبت به درآمد صحبت کرده و متعرض بحث درآمدزایی عامل اول بر اساس مضاربه ثانیه نشده‌اند. (بکتاش؛ ۱۳۹۱، مصباحی مقدم؛ ۱۳۸۹ و بحرینی؛ ۱۴۰۱)؛ بله در متون فقهی متعددی که در ادامه بررسی شده‌اند؛ این بحث بدون هیچ توضیحی ذکر شده که عامل اول چون کاری نمی‌کند؛ حق ندارد طوری مضاربه ثانیه را منعقد نماید که در سود سهمی گردد. در این متون بر "کار" به عنوان معیار مشروعیت بخش درآمد استدلال شده؛ اما اولاً معلوم نیست فقیهی که این عبارت را به کار برده؛ آیا نگاهی نظام‌مند به این مباحث داشته یا خیر؟ و ثانیاً بحث ریسک و جایگاه آن در بحث مشروعیت بخشی به درآمد مطرح نیست. (یزدی، ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۸۹) و در نهایت باید تاکید کرد مقاله‌ای که نظرات فقهاء را در باب جایگاه کار و ریسک در مشروعیت بخشی به درآمد در مضاربه ثانیه به صورت مستقل بررسی کرده باشد؛ موجود نیست.

^۲ روایت مد نظر شهید صدر این روایت است: وَ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَ مَالًا مُضَارَبَةً أَيْحِلُّ لَهُ أَنْ يُعْطِيَهُ آخَرَ بِأَقْلٍ مِمَّا أَخَذَهُ قَالَ لَا... (اشعری، ۱۴۰۸، ص.

۲- تبیین موضوع این مقاله

قبل از بررسی کلام فقهاء ابتدا لازم است تصور صحیحی از این مسئله به دست آید تا مسئله مورد نظر این پژوهش روشن گردد.

۱-۲- فروع مختلف این بحث در کلام صاحب عروه

صاحب عروه تقسیم‌بندی خاصی را برای این بحث ارائه کرده که دقت در آن به فهم بهتر موضوع بحث کمک می‌کند. این فقیه ذیل مضاربه دوم، هم بحث اذن قبلی را مطرح کرده و هم اجازه بعد از تحقق مضاربه ثانیه را مورد تحلیل قرار داده است. ایشان در مورد انجام مضاربه دوم به اذن مالک آن را سه قسم کرده و می‌گوید: وقتی مالک پول به عامل اذن داده که با دیگری مضاربه ببندد؛ در چنین حالتی در مضاربه ثانیه سه صورت متصور است: ۱- عامل دوم، عامل مالک قرار داده شود. ۲- عامل دوم شریک عامل اول در عمل و حصه باشد. ۳- عامل دوم، عامل برای خود عامل اول باشد؛ [نه عامل مالک پول]. (همان، ج. ۵، ص. ۱۸۹)

الف- این فقیه در مورد فرض اول یعنی فرضی که عامل دوم به صورت مستقیم عامل مالک می‌شود؛ می‌گوید: این فرض صحیح است و سود بین مالک و عامل دوم تقسیم می‌گردد و عامل اول در آن شریک نیست؛ مگر عملی انجام دهد و سودی به دست آید که در این صورت او مستحق حصه‌اش خواهد بود. اما اگر در مضاربه ثانیه عملی انجام ندهد؛ حقی ندارد بر عامل دوم شرط کند که قسمتی از سود برای او باشد. بلکه اگر حصه عامل را در مضاربه ثانیه کمتر از آن چیزی که در مضاربه اول برای او بود؛ قرار دهد؛ مستحق آن زیادی نیست. بلکه آن مقدار به مالک برمی‌گردد. به عنوان نمونه اگر سهم او در مضاربه اول ۶۰٪ بوده و او در مضاربه دوم سهم عامل دوم را ۵۰٪ قرار داده و با این ترفند ۱۰٪ سود را مالک شده؛ در این صورت این ۱۰٪ را باید به مالک پول برگرداند. در اینجا این فقیه این فرض را مطرح کرده که احتمال دارد گفته شود اشتراط قسمتی از سود برای عامل دوم و یا قراردادن آن زیادی برای او ایرادی ندارد؛ زیرا او نیز کاری انجام داده؛ چرا که انعقاد عقد مضاربه و سپس آن را برای غیر قرار دادن، خود یک نوع کار است که می‌توان قسمتی از ربح را مقابل آن قرار داد! و به تبعیت از شهید ثانی و صاحب جواهر (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۳۶۸ و صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج. ۶، ص. ۳۹۲)؛ به این مطلب تصریح می‌کند که واسطه‌گری عامل اول کاری که بتواند سودی را برای او به ارمغان آورد؛ محسوب نمی‌گردد؛ زیرا در این صورت کار عامل اول وکالت است نه مضاربه.

ب- اما فرض دوم یعنی آن فرضی که عامل اول عامل دوم را شریک خودش قرار داده؛ آن را نیز ایشان بدون اشکال می‌داند و می‌گوید حصه مجعول در مضاربه اول بین عامل اول و عامل دوم بر اساس قراری که گذاشته‌اند تقسیم می‌گردد.

ج- و در مورد فرض سوم یعنی فرضی که عامل اول بدون انجام کاری با عامل دوم، او را عامل خودش قرار دهد؛ می‌گوید این فرض صحیح نیست و اگر خودش هم کاری بر عهده بگیرد؛ این فرض به فرض دوم برمی‌گردد. پس در فرض سوم عامل

اول مستحق قسمتی از سود نیست؛ چرا که عامل اول کاری نکرده که بتواند مستحق چیزی باشد. مبتنی بر این نکات که در کلام این فقیه ذکر شده؛ ایشان در این بحث معیار مشروعیت درآمد را ظاهراً یا کار دانسته یا مالکیت نسبت به پول. (یزدی، ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۸۹ و ۱۹۰)

۲-۲- تبیین مسئله مورد بحث از حیث استقلال عقد دوم و عدم آن و توسعه بحث به غیر مضاربه

الف- گاهی مضاربه ثانیه یک عقد مستقل است و از شئون مضاربه اول نیست. به بیان دیگر عامل در صدد انجام کاری که در مضاربه بر عهده گرفته نیست. فرض روشن این مسئله آنجایی است که عامل اول به مالک بگوید مضاربه اول فسخ و من مضاربه دیگری با عامل دیگری برای تو منعقد می‌کنم؛ یا عامل چیزی نگفته؛ اما با اذنی که از صاحب پول داشته؛ مضاربه ثانیه‌ای بین او و عامل دیگر منعقد کرده و چنین عقدی را فقیه فسخ مضاربه اول بداند. همچنانکه صاحب عروه چنین نظری را ارائه نمود. (یزدی، ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۸۹ و یزدی، ۱۴۲۸، ج. ۲، ص. ۶۵۹)

ب- اما گاهی مضاربه دوم از شئون مضاربه اول است. به عنوان نمونه عامل با مالک قرارداد مضاربه‌ای به صورت نصف نصف منعقد کرده؛ بعد از این قرارداد، برای انجام تجارت و عمل به قراردادی که بسته؛ خود مباشرتاً اقدام نمی‌کند؛ بلکه با عامل دیگری مضاربه‌ای منعقد می‌کند و در آن شرط می‌کند یک سوم از آن عامل دوم باشد و بقیه را او بردارد. بعد از این انجام تجارت و تحقق سود؛ یک سوم را به عامل دوم می‌دهد؛ نصف سود را به مالک می‌دهد و بقیه را برای خود برمی‌دارد. و چه بسا ادا آن بود که صاحب عروه این دو گونه مضاربه ثانیه را از هم جدا می‌کرد.

و در همین فرض دوم، گاهی در طول مضاربه اول قراردادی غیر از مضاربه منعقد می‌کند؛ به عنوان نمونه به شخص ثالث می‌گوید تو به عنوان عامل من، در ازای دریافت فلان مبلغ معین، کارها را بر عهده بگیر و انجام بده؛ (عقد اجاره) یا فردی را در کل تجارتي که قرار است انجام دهد؛ وکیل خود می‌کند؛ (عقد وکالت) و یا به فردی می‌گوید اگر با این پول تجارت کنی؛ یک سوم سود محتمل برای تو باشد؛ (عقد جعاله). او در تمام این موارد در صدد انجام تکلیفی است که در مضاربه بر عهده گرفته بود. باید دقت کرد که چنین مواردی از مصادیق مضاربه ثانیه نیستند؛ زیرا قرارداد دوم، مضاربه نیست و حتی در مواردی مثل فرضی که عامل بر اساس جعاله قرارداد دوم را انجام داده؛ در عقد بودنش نیز بحث است و نکته مهم دیگر اینکه تمام این قراردادها از شئون مضاربه اول به حساب می‌آیند. (حکیم، ۱۴۱۶، ج. ۱۲، ص. ۳۲۴)

در فرضی که قرارداد دوم از شئون مضاربه اول است؛ طبق نظر این پژوهش هم در مورد اولش که قرارداد دوم مضاربه است و هم در مورد دومش که قرارداد دوم غیر مضاربه است؛ در فرض صحت قرارداد منعقد شده، سوالی مطرح است و آن اینکه اگر عامل اول قسمتی از سود تجارت انجام شده را برای خود لحاظ کند؛ سود برای او که هیچ کاری از تجارت را بر عهده نگرفته؛ حلال است؟ بنابراین در این بحث، سوال منحصر به مضاربه ثانیه نیست؛ بلکه سوال در مورد قرارداد صحیحی است

که عامل اول بعد از انعقاد مضاربه اول و در طول آن منعقد می‌کند و این قرارداد بدون اینکه او کار دیگری غیر از انعقاد این قرارداد انجام داده باشد؛ منشا درآمدی برای او است؛ این نوشتار در صدد کشف این امر است که -سوی صحت اصل قرارداد دوم که مفروغ عنه است؛^۳ - آیا عامل اول می‌تواند عقد دوم را به گونه‌ای منعقد کند که خود نیز در سود شریک باشد؛ یا با گنجاندن شرطی در ضمن عقد قسمتی از سود را به خود اختصاص دهد یا خیر و اگر چنین کند باعث بطلان قرارداد یا بطلان شرط قرارداد می‌گردد؟

اما فروضی که مضاربه دوم از اساس باطل باشد؛ - به عنوان نمونه صاحب عروه و امام خمینی در مورد فرض سوم که عامل، مضاربه ثانیه را بین خود و عامل دوم منعقد کرده؛ نه بین مالک و عامل دوم، فرموده‌اند اگر به این معنا باشد که کل کار را عامل دوم انجام دهد و عامل اول هیچ کاری بر عهده نگیرد؛ این چنین مضاربه‌ای صحیح نیست. (یزدی، ۱۴۲۸، ج. ۲، ص. ۶۶۰ و امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۱، ص. ۶۵۳) و محقق نائینی در استدلال بر این نظر می‌گوید: علت عدم صحت این است که ولایت بر مال در عقد مضاربه از شئون مالکیت مالک نسبت به پول است و عامل در مورد این ولایت، صلاحیتی ندارد و مالک پول هم سلطنتی نسبت به تشریح این ولایت را ندارد. (یزدی، ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۹۱)؛^۴ - این فروض از بحث این نوشتار خارج است. مراد ما در این نوشتار مواردی است که مضاربه ثانیه به گونه‌ای بسته شده که از نظر فقهی اصلش صحیح باشد؛ آیا می‌تواند به گونه‌ای منعقد گردد که درآمد مشروعی برای عامل اول به ارمغان آورد؟ پس این نوشتار بعد از فراغ از صحت مضاربه دوم؛ در صدد بررسی مشروعیت درآمد ناشی از آن می‌باشد. به عنوان نمونه اگر عامل اول به اذن مالک، قرارداد مضاربه دوم را بین مالک و عامل دیگری منعقد نماید؛ طبق نظر صاحب عروه چنین قراردادی مشکلی ندارد؛ اما همین جا وقتی سوال شود آیا عامل اول می‌تواند شرطی را در قرارداد دوم بگنجانند که خود نیز بهره‌ای از سود را مالک گردد؛ این امر طبق نظر ایشان صحیح نیست. (همان، ص. ۱۸۹) و دقیقاً همین جا محل بحث این نوشتار است. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۱، ص. ۶۵۳ و همو، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۶۱۵)

۳- نظرات فقهاء در مضاربه ثانیه و مشروعیت سود برای عامل اول

شیخ طوسی مضاربه ثانیه را در صورت اذن مالک پول، در صورتی صحیح می‌داند که عامل اول وکیل صاحب پول باشد و به وکالت از صاحب مال، مضاربه‌ای بین صاحب مال و عامل دوم منعقد نماید. این فقیه تصریح کرده اگر عامل اول مضاربه دوم را به این صورت منعقد نماید که خود نیز سهمی از سود ببرد؛ فاسد است؛ زیرا او نه مالی دارد و نه کاری؛ بنابراین سهم‌بری او مشروعیت ندارد. [زیرا] ربح در مضاربه بر اساس مال یا کار است؛ و حال آنکه عامل اول هیچ‌کدام از آن دو را

^۳ اگر قرارداد دوم به گونه‌ای باشد که از اساس باطل باشد؛ در این صورت نوبت به این بحث نمی‌رسد که شرط کردن قسمتی از سود برای عامل اول بدون انجام کاری از جانب او صحیح است یا خیر؛ زیرا پاسخ داده می‌شود اصل قرارداد باطل است و جایی برای سوال از صحت شرطی که در ضمن آن مطرح شده؛ نیست. به بیان دیگر وقتی اصل قرارداد باطل باشد؛ شرط در ضمن آن هم نافذ نیست؛ پس لازم است ابتدا اصل قرارداد تصحیح شود.

^۴ البته دقیق‌تر این است که این معامله را فضولی بدانیم و بگوییم بحث اجازه بعدی مالک، این مشکل را حل خواهد کرد. بعد از این مرحله، این بحث مطرح خواهد شد که عامل اول که کاری نکرده؛ سهم‌بری او مشروع است یا خیر؟

ندارد. در این فرض چون این مضاربه باطل است؛ کل سود به صاحب پول می‌رسد و عامل دوم اجره المثل کارش را می‌گیرد و عامل اول به سبب عدم انجام کار، مستحق چیزی نیست. (طوسی، ۱۳۸۷، ج. ۳، ص. ۱۸۰ و ۱۸۱)

عدم مشروعیت شرط سود برای عامل اول به علت اینکه او نه پولی دارد و نه کاری انجام داده؛ مقبول ابن براج، محقق حلی و علامه حلی است و این فقیهان با شیخ طوسی در این تحلیل موافقت. و در کلام فقیهان بعدی نیز مثل محقق کرکی و محقق خوئی این تحلیل به همین صورت تکرار شده و مورد پذیرش است. (ابن براج، ۱۴۰۶، ص. ۴۶۲، ابن براج، ۱۴۱۱، ص. ۱۲۵، محقق حلی، ۱۴۰۸، ج. ۲، ص. ۱۱۵، علامه حلی، ۱۴۲۰، ج. ۳، ص. ۲۵۸ و ۲۵۹، علامه حلی، ۱۴۱۳، ج. ۲، ص. ۳۳۲، محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج. ۸، ص. ۵۸ و خوئی، ۱۴۱۸، ج. ۳۱، ص. ۷۰)

شاهد ثانی نیز مشروعیت سود برای عامل اول را نپذیرفته و در فرضی که مالک به عامل اول اذن داده تا وکیل او باشد که دیگری را عامل قرار دهد؛ می‌پذیرد عامل اول هیچ سهمی از سود نخواهد داشت و علت را عدم کار او می‌داند. ایشان می‌گویند مقتضای عقد مضاربه این است که سود بین مالک پول و عامل باشد و وقتی عامل اول وکیل بوده که کار را به دیگری بسپارد و عملی انجام نداده؛ وجه شرعی برای سهم بودن او در سود وجود ندارد. (شاهد ثانی، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۳۶۸)؛ کلام صاحب جواهر نیز نزدیک به کلام شاهد ثانی است و چه بسا برگرفته از کلام شاهد ثانی باشد. البته صاحب جواهر در نهایت با اشکالی کلام خود را به پایان برده است که در ادامه نوشتار تبیین شده است. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج. ۲۶، ص. ۳۹۲)

همچنانکه گذشت نظر صاحب عروه نیز همین است و ایشان قرارداد را از سود را برای عامل اول صحیح نمی‌دانند؛ چراکه او کاری نکرده است. (یزدی، ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۸۹)

۱-۳-۱- دقتی در کلام فقهایی که قائل به عدم مشروعیت سود هستند

الف- از کلام این فقیهان می‌توان معیار مشروعیت درآمد را به دست آورد. در نگاه ایشان علت مشروعیت درآمد در مضاربه یا کار است یا ملکیت نسبت به پول. مبتنی بر این معیار چون نسبت به عامل اول هیچکدام از این دو معیار وجود ندارد؛ قرار دادن قسمتی از درآمد برای عامل اول وجه شرعی ندارد.

ب- شیخ طوسی و ابن براج تصریح نموده‌اند شان عامل اول در مضاربه ثانیه، شان وکیل است. او به وکالت از صاحب پول، پول را به دیگری واگذار کرده تا در مضاربه به کار گیرد و ظاهراً اینگونه تصور شده که صاحب پول گفته حالا که خودت نمی‌توانی؛ کسی را جای خود بگذار. (طوسی، ۱۳۸۷، ج. ۳، ص. ۱۸۰ و ۱۸۱، ابن براج، ۱۴۰۶، ص. ۴۶۲ و ابن براج، ۱۴۱۱، ص. ۱۲۵)

در این صورت ظاهراً باید گفت عامل اول باید عقد مضاربه دوم را به همان گونه که مالک گفته منعقد نماید و سود را نصف نصف بین مالک و عامل دوم قرار دهد. حال اگر وکیل عقد مضاربه دیگری منعقد کرد؛ اما سود را سه قسمت نمود؛ تعبیر به

فساد مضاربه دقت بیشتری می‌خواهد. آیا عقد مضاربه دوم در این صورت فاسد است یا نافذ نیست و فضولی است؟ اگر فرض دوم صحیح باشد؛ در صورت اذن او آیا نمی‌توان گفت مضاربه دوم صحیح است و علت اینکه یک سوم سود برای وکیل قرا داده شده از باب اجرت وکالت باشد؟ این فرع در ادامه متن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

ج- نکته‌ای که در کلام شهید ثانی، صاحب جواهر، محقق کرکی، صاحب عروه و محقق خویی جای دقت دارد؛ صفتی است که از سوی این فقیهان برای "کار" بیان شده است. توضیح کلام شهید ثانی در قالب مثالی بیان می‌شود: فرض کنید سهم عامل اول در مضاربه اول ۶۰٪ بوده؛ حال عامل اول با عامل دوم مضاربه دوم را ۵۰٪-۵۰٪ بسته؛ بنابراین کسی که باعث شده سهم عامل دوم از ۶۰٪ کمتر گردد؛ عامل اول است؛ زیرا موفق شده مضاربه ثانیه را به این صورت منعقد نماید؛ اما این چنین کاری مشروعیت بخش سود برای او نیست و باعث نمی‌گردد او به سبب چنین کاری شرعا مستحق ۱۰٪ سود باشد. چرا؟ چون این کار قسمی از اقسام تجارت که به سبب آن مستحق قسمتی از سود گردد؛ نیست. در این بیان شهید ثانی برای کاری که باعث مشروعیت درآمد می‌گردد؛ صفتی قائل شده و آن این است که صرف انعقاد قرارداد مشروعیت‌ساز نیست. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۳۶۸)؛ محقق خویی نیز می‌گوید مطلق عمل باعث استحقاق نسبت به سود نیست؛ بلکه تجارتي باعث استحقاق نسبت به سود است که به ظهور ربح منتهی شده باشد. (خویی، ۱۴۱۸، ج. ۳۱، ص. ۷۱، محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج. ۸، ص. ۵۸ و یزدی، ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۸۹)؛ البته صاحب جواهر بعد از اینکه می‌گوید: «منعقد کردن عقد مضاربه [دوم از سمت عامل اول] و لو به کمتر از حصه‌ای که مالک برای او قرار داده بود؛ یک عمل تجاری که جعل بعضی از ربح در مقابل آن مشروع است؛ محسوب نمی‌شود؛ بنابراین چنین شرطی حتی در فرض اذن مالک نافذ نیست؛ زیرا اذن مالک امر غیر مشروع را مشروع نمی‌کند. "با کمی تردید می‌فرماید: "مگر اینکه ادعا شود این کار نیز خودش داخل در عمل مضاربه مشروع است... بنابراین تامل در این نکته لازم است." و ظاهر کلام ایشان این است که مسئله را با اشکال تمام کرده است. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج. ۲۶، ص. ۳۹۲)

سوالی که این فقیهان باید پاسخ دهند این است که این امر واقعا «کار» محسوب نمی‌شود؟ شاید پاسخ داده شود در اجاره نیز وقتی مستاجر اول خانه را به دیگری به مقدار کمتر اجاره می‌دهد؛ این کار باعث مشروعیت درآمد نیست و صرف چنین واسطه‌گری‌ای از اساس کاری که درآمد را مشروع سازد به حساب نمی‌آید. آیا همین‌گونه است و مضاربه در این حیث قابل قیاس با اجاره ثانیه است؟ این بحث دقتی بیشتر می‌طلبد. در انتهای همین مقاله این بحث تبیین شده است.

۲-۳- شرط کردن مقداری از سود برای اجنبی و ارتباط آن با شرط کردن مقداری از سود برای عامل اول

اگر شخص بیگانه - که در عقد دخالتی ندارد و هیچ‌کدام از طرفین عقد نیست، - هیچ کاری بر عهده ندارد و در قرارداد مضاربه قسمتی از سود برای او قرارداد شده؛ این شرط نافذ است؟ در مطالب پیشین گفته شد صاحب عروه در مضاربه ثانیه گفت عامل اول به علت عدم انجام کار، نمی‌تواند قسمتی از ربح را بردارد؛ اما این فقیه در مورد اینکه شرط شود قسمتی از سود برای اجنبی باشد؛ می‌گوید چنین شرطی مبتنی بر عمومیت ادله نافذ و صحیح است؛ هر چند اجنبی کاری بر عهده نداشته باشد. (یزدی، ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۵۰ و ۱۵۱)

الف-ابتناء شرط سود برای عامل اول در مضاربه ثانیه بر شرط مقداری از سود برای اجنبی

محقق خوبی می‌گوید: اینکه جایز نیست بدون کار شرط شود قسمتی از سود برای عامل اول باشد؛ مبتنی بر مبنایی است که ما اختیار کردیم و آن این است که در مضاربه، قرار دادن قسمتی از سود برای بیگانه جایز نیست؛ زیرا اصل مضاربه بر خلاف قاعده است؛ چرا که بر اساس قاعدة «تبعية النماء لأصل المال» کل سود مال مالک پول است و قرار دادن بعضی از آن برای غیر مالک پول خلاف قاعده است. حال اگر بخواهد این امر مشروعیت داشته باشد؛ نیازمند دلیل خاص است و دلیل در این بحث مختص آن جایی است که قسمتی از سود برای عامل شرط گردد و شامل اجنبی نمی‌شود. ضمناً ادله و فاء به شرط، مشرع نیستند؛ بنابراین شامل چنین شروطی که مخالف سنت می‌باشند؛ نیستند. بلکه مبتنی بر مبنای مقبول نزد صاحب عروه که بر اساس عموم «المؤمنون عند شروطهم» فرمود اینکه قسمتی از سود برای اجنبی شرط شود؛ جایز است؛ وجهی برای قول به عدم نفوذ این شرط یعنی در مضاربه دوم شرط شود قسمتی از سود برای عامل اول باشد؛- نیست و باید این شرط را جایز بدانند. (خوبی، ۱۴۰۹، ج. ۱، ص. ۹۵ و خوبی، ۱۴۱۸، ج. ۳۱، ص. ۱۷ و ۷۰ و ۷۱)؛ طبق توضیح محقق خوبی این مسئله مبتنی بر شرطیت قسمتی از سود برای اجنبی است و چون آن جا صاحب عروه، اشکالی نکرد؛ در این بحث نیز باید می‌پذیرفت این شرط اشکالی ندارد؛ اما طبق مبنای خود ایشان چنین شرطی نافذ نیست.

اینکه در مضاربه ثانیه شرط شود قسمتی از سود بدون انجام کار برای عامل اول قرارداد شده و این شرط صحیح باشد؛ در نظر حکیم، (حکیم، ۱۴۱۶: ۳۲۳/۱۲)؛ خوبی، (خوبی، ۱۴۰۹، ج. ۱، ص. ۹۵)؛ اردبیلی، (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱، ص. ۱۷۵)؛ سبزواری، (سبزواری، ۱۴۱۳، ج. ۱۹، ص. ۲۸۶) و ... (بصری بحرانی، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۳۹۴، سبحانی، ۱۴۱۶، ص. ۱۳۶ و یزدی، ۱۴۳۷، ج. ۱۴، ص. ۲۱۴)؛ مبتنی بر صحت شرطیت قسمتی از سود برای اجنبی است. یعنی اگر شرطیت قسمتی از سود برای اجنبی صحیح باشد؛ در مضاربه ثانیه نیز باید صحیح باشد که قسمتی از سود برای عامل اول قرار داده شود؛ هر چند او کاری انجام ندهد.

با اینکه صاحب عروه در مضاربه ثانیه تحلیلی جلو رفته و معیار مشروعیت درآمد را مدنظر قراردادده و می‌گوید وقتی عامل اول نه مالی دارد و نه عملی، بهره بردن او از سود هر چند در ضمن مضاربه ثانیه شرط شود؛ صحیح نخواهد بود؛ در این جا به صراحت این شرط را که قسمتی از سود برای اجنبی قرار داده شود؛ صحیح دانسته و می‌پذیرد! (یزدی، ۱۴۰۹: ۶۴۰/۲) و ظاهراً به عموم ادله استناد کرده است.^۵ این نظر مقبول بسیاری از فقها از جمله امام خمینی، آیات گلپایگانی، حائری،

^۵ احتمال دارد در بحث مضاربه ثانیه، این فقیه مبتنی بر روایت کتاب نوادر مایل به چنین فتوایی شده است. در کتاب نوادر آمده: وَ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَ مَالًا مُضَارَبَةً أَيْجَلُ لَهُ أَنْ يُعْطِيَهُ آخَرَ بِأَقْلٍ مِمَّا أَخَذَهُ قَالَ لَا... (النوادر للأشعري)، ۱۴۰۸، ص. ۱۶۳) البته ظاهر کلام عروه در این قسمت این است که ایشان مبتنی بر تحلیل و نه تعبد به نص، قائل به این فتوا است؛ چراکه می‌نویسد: و لیس للأول شيء إلا إذا كان بعد أن عمل عملاً وحصل ربح فيستحق حصته من ذلك، و لیس له أن يشترط على العامل الثاني شيئاً من الربح بعد أن لم يكن له عمل بعد المضاربه الثانية، بل لو جعل الحصه للعامل في المضاربه الثانية أقل مما اشترط له في الأولى، كأن يكون في الأولى بالنصف وجعله ثلثاً في الثانية لا يستحق تلك الزيادة، بل ترجع إلى المالك... (یزدی، ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۸۹ و ۱۹۰)

بروجردی، خوبی، فاضل و... قرار نگرفته و استناد ایشان به عموم ادله مورد خدشه واقع شده است. (یزدی، ۱۴۳۷، ج. ۱۴، ص. ۱۳۱ تا ۱۳۳، ۱۴۲۸، ج. ۲، ص. ۵۵۲، بیتا، ج. ۲، ص. ۵۲۸ و ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۵۱)

ب- عدم صحت عقد به عنوان مضاربه و صحت عقد به عنوان عام

اما کسانی که قرارداد سود برای اجنبی را قبول کرده‌اند؛ دو دسته شده‌اند؛ عده‌ای گفته‌اند از باب مضاربه صحیح نیست؛ ولی مبتنی بر عمومات بحث تجارت، چنین معامله‌ای صحیح است؛ هر چند نتوان بر آن اسم مضاربه نهاد. به بیان دیگر در مضاربه چنین شرطی نافذ نیست؛ اما به عنوان معامله‌ای مستقل و نه به اسم مضاربه؛ اشکالی بر این شرط نیست. آیت‌الله حکیم می‌گوید بر اساس ادله مضاربه، ربح بین عامل و مالک تقسیم می‌شود و اگر قراردادی بین عامل، مالک و شخص ثالثی که هیچ کاری بر عهده ندارد بسته شود؛ این دیگر مضاربه نیست و ادله مضاربه که سود را بین عامل و مالک می‌داند؛ برای رد نفوذ چنین شرطی کافی است؛ و چون ظاهراً مراد از قاعده‌ای که سید می‌گوید عمومات عقود و تجارت است؛ این عمومات به نصوص مضاربه تخصیص خورده؛ نصوصی که می‌گویند ربح بین عامل و مالک است. بده بر اساس این عمومات صحت اصل معامله ثابت است اما نه به عنوان "مضاربه"! به بیان دیگر ادله عمومی بحث معاملات، بر صحت این معامله حکم می‌کنند؛ اما نه به عنوان مضاربه. (حکیم، ۱۴۱۶: ۱۲/۲۵۰ و ۲۵۱)؛ نظر سبزواری نیز همین است. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج. ۱۹، ص. ۲۴۲)

و بعضی دیگر بر اساس عمومات اولیه مثل «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» و «المؤمنون عند شروطهم» نظر صاحب عروه را صحیح دانسته و تصریح می‌کنند نصوص مضاربه نیز با چنین شرطی در تضاد و تنافی نیست. (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱، ص. ۵۴)

ج- عدم وجود معیاری منسجم

با دیدن دو فرع شرط سود برای اجنبی و شرط سود برای عامل اول در مضاربه ثانیه؛ امری که در این متون نمود دارد؛ عدم دقت روی معیار مشروعیت درآمد است. یک فقیه شرط سود برای اجنبی را قبول می‌کند و شرط سود برای عامل اول را نمی‌پذیرد. دیگری شرط سود برای اجنبی را به عنوان عقد مضاربه رد می‌کند و همین شرط را مبتنی بر عمومات و نه به عنوان "مضاربه" می‌پذیرد. در چنین فضایی دنبال یک معیار روشن بودن برای مشروعیت درآمد بسیار سخت، بلکه گاهی ناممکن است! و جالب آن است که این فقیهان گاهی با تمسک به معیارهایی که متخذ از روایات است درآمدی را نامشروع دانسته‌اند؛ اما این که این معیارها برجسته شوند و بحث بر اساس آن‌ها شکل پذیرد؛ انجام نشده است. در بحث "نظر این پژوهش" که در ادامه ذکر شده؛ این بحث تبیین شده است.

۴- نظر این پژوهش در مورد شرط کردن سود برای عامل اول در مضاربه ثانیه

قبل از بیان تحلیل مد نظر این پژوهش لازم است اموری مد نظر پژوهش‌گر در این بحث باشد که در ادامه ضمن مقدمات لازم برای رسیدن به نظریه صحیح تبیین شده‌اند.

۱-۴- مقدمات لازم برای رسیدن به نظریه صحیح

الف- تاکید بر نبود نص قابل پذیرش

اولین چیزی که در این بحث باید بدان دقت کرد؛ این است که در مورد شرط کردن قسمتی از سود برای اجنبی در عقد مضاربه و همچنین انعقاد مضاربه دوم به گونه‌ای که عامل اول نیز در سود شریک باشد؛ نص مستند و قابل پذیرشی وجود ندارد.^۶ بنابراین در بحث اجنبی اگر فتوایی داده شده ظاهراً بر اساس عمومات باب تجارت و روایات مضاربه است؛^۷ به عنوان نمونه صاحب عروه می‌گوید: «كان مقتضى القاعدة صحة الشرط حتى للأجنبي (یزدی، ۱۳۸۶، ج. ۲، ص. ۵۵۲)؛ همانطور که روشن است ایشان در بحث اجنبی به نص خاصی استناد نکرده و می‌گوید مقتضای قاعده این است که ...

لذا می‌توان ادعا نمود چون روایتی در بحث شرط کردن قسمتی از سود برای اجنبی در بحث مضاربه وجود ندارد؛ صاحب عروه مبتنی بر عمومات چنین شرطی را نافذ دانسته است. (یزدی، ۱۴۲۸، ج. ۲، ص. ۵۵۲ و همو، بی‌تا: ج. ۲، ص. ۵۲۸)

بله در مضاربه ثانیه در کتاب نوادر روایتی به این صورت ذکر شده: «و سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَ مَالًا مُضَارَبَةً أَيْجَلُ لَهُ أَنْ يُعْطِيَهُ آخَرَ بِأَقْلٍ مِمَّا أَخَذَهُ قَالَ لَا...» (اشعری، ۱۴۰۸، ص. ۱۶۳).^۸ ظاهراً صاحب وسائل به این روایت اخذ کرده و این تک‌روایت را ذیل «بَابُ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ لِلْعَامِلِ دَفْعُ الْمَالِ إِلَى غَيْرِهِ مُضَارَبَةً بِأَقْلٍ مِمَّا أَخَذَ» ذکر نموده است. (صاحب وسائل، ۱۴۰۹، ج. ۱۹، ص. ۲۹) اما این روایت، سوای اینکه از حیث سند قابل اخذ نیست؛ دلالتش با ابهام مواجه است. اگر این روایت را ناظر به مضاربه ثانیه بدانیم؛ چه بسا ناظر به فرضی است که عامل بدون اذن مالک، مال او را به دیگری واگذار نموده؛ حال آنکه مالک، مالش را برای مضاربه به این شخص خاص واگذار کرده بوده است و روشن است عامل، حق ندارد مال او را به دیگری بسپارد. و ظاهراً به همین دلیل است که فقیهانی در این بحث با وجود این روایت، باز هم قائل به جواز مضاربه ثانیه در فرض اذن مالک و سودبری عامل اول هستند. (یزدی، ۱۴۳۷، ج. ۱۴، ص. ۲۱۳ و ۲۱۴)؛ حتی فقیهانی که قائل به عدم جوازند؛ ظاهراً مبتنی بر این روایت نبوده؛ به عنوان مثال صاحب عروه در این بحث ظاهراً مبتنی بر معیار بودن کار برای مشروعیت‌بخشی به درآمد، منحصر به مالک و عامل ثانی دانسته و فرموده است: عامل اول چون نه مالی دارد و نه کاری کرده؛ از ربح بی‌بهره است و صرف شرط برای بهره بردن او از ربح کافی نیست. متن عروه در این قسمت این است:

«و ليس للأول شيء إلا إذا كان بعد أن عمل عملاً و حصل ربح فيستحق حصته من ذلك و ليس له أن يشترط على العامل الثاني شيئاً من الربح بعد إن لم يكن له عمل بعد المضاربه الثانية بل لو جعل الحصه للعامل في المضاربه الثانية أقل مما اشترط له في الأولى كأن يكون في الأولى بالنصف و جعله ثلثاً في الثانية لا يستحق تلك الزيادة...»

^۶ در کتاب نوادر روایتی ذکر شده: «و سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَ مَالًا مُضَارَبَةً أَيْجَلُ لَهُ أَنْ يُعْطِيَهُ آخَرَ بِأَقْلٍ مِمَّا أَخَذَهُ قَالَ لَا...» (اشعری، ۱۴۰۸، ص. ۱۶۳). در ادامه متن این روایت تبیین شده است.

^۷ البته روایات مضاربه نیز متعرض اینکه چنین شروطی صحیح است یا نیست؛ نشده‌اند؛ بلکه مراد از روایات مضاربه روایاتی است که در مورد شرائط مضاربه صحبت کرده و به عنوان نمونه گفته است ربح بین عامل و مالک تقسیم می‌گردد.

^۸ اینکه مولف نوادر موجود احمد بن محمد بن عیسی است یا حسین بن سعید؛ بحث پردامنه‌ای است. (ر.ک: شبیری، سیدجواد، ۱۳۷۶)

همانطور که روشن است؛ بحث روی «کار» است. (یزدی، بیتا، ج. ۲، ص. ۶۵۹، خوئی، ۱۴۱۸، ج. ۳۱، ص. ۱۷ و ۷۰ و ۷۱، سبزواری، ۱۴۱۳، ج. ۱۹، ص. ۲۴۰، ۲۸۵ و ۲۸۶، موسوی اردبیلی، ۱۴۲۱، ص. ۵۴ و ۱۷۵، حکیم، ۱۴۱۶، ج. ۱۲، ص. ۲۵۰ و ۳۲۳) ظاهراً در شیوه دوم تحلیل جانشین تعبد و اخذ به عموماً و اطلاقات شده است. (حکیم، ۱۴۱۶، ج. ۱۲، ص. ۲۵۱ و ۳۲۳، یزدی، ۱۴۱۹، ج. ۵، ص. ۱۵۱، ۱۴۲۸، ج. ۲، ص. ۵۵۲ و همو، بیتا، ج. ۲، ص. ۵۲۸)

ب- تذکر نسبت به تفاوت عبادات و معاملات در نحوه اجتهاد

در عبادیات یا قسمت عمده آن مباحث تعبدی است و علل دستورات برای عقل روشن نیست؛ مگر از معصوم توضیحی رسیده باشد. چرا نماز مغرب سه رکعتی است و نماز صبح دو رکعت؟ و هکذا در بسیاری از فروع عبادی. اما معاملات همینگونه می‌باشند؟ با رجوع به روایات خواهیم دید در بسیاری از موارد، قواعد کلی مطرح شده است. عدم مشروعیت درآمد ربوی، عدم مشروعیت درآمد بدون کار، تاثیر کار در مالکیت نسبت به حیوانات، تاثیر کار در احیاء موات، تبعیة النماء للاصل و ... قواعدی کلی به دست می‌دهد که فقیه باید مبتنی بر آن اجتهاد کرده و صرف عموماً و اطلاقات را معیار منحصر به فرد به حساب نیاورد. بنابراین باید دقت کرد چرا در اجاره ثانیه امام ع سود بردن مستاجر اول را در فرضی که او کاری انجام ندهد؛ ناصحیح می‌داند؟ (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۵، ص. ۲۷۲ و ۲۷۳)^۹ یا چرا در مزارعه ثانیه امام ع دو فرع مطرح کرده؛ در یکی ربح عامل اول را نامشروع دانسته و در فرع دیگر سود بردن او را در مزارعه دوم صحیح دانسته؛ حال آنکه در هر دو فرع او کاری انجام نداده است؟! و در جواب سائل چنین معیاری را مطرح می‌فرمایند: "لَإِنَّ هَذَا مَضْمُونٌ وَ ذَلِكَ غَيْرُ مَضْمُونٍ" (همو، ج. ۵، ص. ۲۷۲)^{۱۰}

ظاهراً در این مباحث نمی‌توان مبتنی بر عموماً بحث تجارت و یا اطلاقات بحث مضاربه بحث را به سامان رساند و آنچه حائز اهمیت است این است که در این متون فقهی بحث مستقلی از معیارهای مشروعیت درآمد مطرح نیست؛ لذا مثل صاحب عروه که در مضاربه ثانیه بر اساس بعضی از معیارها نظرش را بیان کرده؛ در شرط سود برای اجنبی بدون انجام کار، به عموماً اخذ می‌کند و بحث در این دو فرع با معیار واحد جلو نمی‌رود. در موردی تعبدی است و مبتنی بر عموماً و اطلاقات و در مورد دیگر تحلیلی! همچنین ذکر فروع مختلف این مسئله در کلام بعضی از ایشان کار را پیچیده می‌کند و منطق بحث گم می‌شود. (سبحانی، ۱۴۱۶، ص. ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱)

ج- تاثیر حقوقی متفاوت شروط مختلف

باید دقت گردد شرط مورد بحث در این نوشتار، شرط سهیم شدن در سود تجارت مضاربه ثانیه است. عامل اول با عامل دوم قراردادی بسته و شرط کرده قسمتی از سود برای او باشد. در این جا است که بسیاری از فقها با استناد به این استدلال که این شخص نه مالک پولی است که تجارت با آن انجام شده و نه کاری را در این تجارت بر عهده گرفته؛ قائل به این نظر شده‌اند که وجه مشروعی وجود ندارد عامل اول در سود این تجارت شریک گردد و شرط نمی‌تواند امر غیر مشروع را مشروعیت

^۹ صاحب این مقاله در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی انتقادی کلام فقیهان امامیه در اجاره ثانیه با هدف بررسی «کار» به عنوان معیار مشروعیت درآمد با تاکید بر اندیشه شهید صدر» بحث اجاره ثانیه را با هدف کشف معیار مشروعیت درآمد، بررسی نموده است.

^{۱۰} در ادامه همین متن این روایت ذکر شده و توضیح آن بیان شده است.

بخشد. اما اگر به اذن مالک او مضاربه‌تانیه را منعقد نماید و کل سود را بین مالک و عامل دوم تقسیم کند و فقط شرط کند که عامل موظف باشد از جیب خود پولی به او هبه کند؛ چنین شرطی بلااشکال است؛ زیرا این پول هبه‌ای از جانب عامل دوم و از پول خودش که با رضایت به عامل اول می‌پردازد و وجهی برای بطلان این شرط وجود ندارد. بحث این نوشتار معیار مشروعیت درآمد از طریق مضاربه‌تانیه است؛ نه پولی که عامل اول از مواردی مثل این هبه به دست آورد.

د- دقت عده‌ای از فقهاء در معیار مشروعیت درآمد

بسیاری از فقهاء از جمله شیخ طوسی، محقق و علامه حلی در بحث مضاربه گفتند: عامل مشروعیت یا کار است یا سرمایه. و مبتنی بر این معیار، مشروعیت سود برای عامل اول را نفی کردند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج. ۳، ص. ۱۸۰ و ۱۸۱، ابن براج، ۱۴۱۱، ص. ۱۲۵، محقق حلی، ۱۴۰۸، ج. ۲، ص. ۱۱۵، حلی، ۱۴۱۳، ج. ۲، ص. ۳۳۲ و...) البته خواهد آمد در مضاربه‌تانیه این تحلیل مورد قبول این پژوهش نیست؛ اما روشن است ایشان بر اساس فهم خود از روایات، معیاری را برای مشروعیت درآمد کشف کرده و مبتنی بر این معیار در مضاربه‌تانیه فتوا داده‌اند؛ حال آنکه روایت مقبولی در کتب اصلی روایی ما وجود ندارد. بحث‌های استدلالی فراتر از روایات با این قوت و صراحت از شیخ طوسی شروع شده (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۲) و نشان می‌دهد نگاه تحلیلی و دور از تعبد در بحث معاملات، نزد شیخ و فقهای بزرگ بعد از او مانند محقق حلی، مورد اعتنا و توجه بوده (طوسی، ۱۳۸۷، ج. ۳، ص. ۱۸۰ و ۱۸۱، ابن براج، ۱۴۰۶، ص. ۴۶۲، ابن براج، ۱۴۱۱، ص. ۱۲۵، محقق حلی، ۱۴۰۸، ج. ۲، ص. ۱۱۵، علامه حلی، ۱۴۲۰، ج. ۳، ص. ۲۵۸ و ۲۵۹، علامه حلی، ۱۴۱۳، ج. ۲، ص. ۳۳۲، محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج. ۸، ص. ۵۸ و خویی، ۱۴۱۸، ج. ۳۱، ص. ۷۰)؛ و حال نیز این مسیر برای ما باید با قوت بیشتری باز باشد.

۲-۴- صحت سهم‌بری عامل اول

به نظر این پژوهش ابتناء مشروعیت شرط کردن سود برای عامل اول، بر مشروعیت سود برای اجنبی، از حیث اثباتی درست است. یعنی اگر فقیهی مشروعیت سود برای اجنبی را بپذیرد؛ شرط کردن سود برای عامل اول و مشروعیت درآمد او را از این مسیر باید بپذیرد. اما اگر فقیهی در آنجا مشروعیت شرط سود برای اجنبی را نپذیرفت؛ آیا معنایش این است که در این بحث نیز عامل اول نمی‌تواند قسمتی از سود را برای خود لحاظ کند؟

این امر بستگی به مشخص کردن معیار مشروعیت درآمد در این بحث دارد. در مضاربه نمی‌توان شرط کردن مقاداری از سود برای اجنبی باشد و این شرط نافذ نیست؛ اما شرط کردن مقاداری از سود برای عامل اول در مضاربه دوم بلامانع است. اجنبی نه کاری کرده و نه کاری بر عهده دارد؛ حال آنکه عامل مضاربه مبتنی بر عقد مضاربه کاری بر عهده گرفته و تحصیل سود نیز برای او قطعیت ندارد و این دو فرض با هم متفاوت هستند.

اینکه چون عامل اول کاری انجام نداده و سرمایه‌ای نیز نداشته پس از سود بی‌بهره است؛ بر چه اساس است؟ اگر گفته شود مبتنی بر روایات باب اجاره‌تانیه است؛ باید گفت ابتناء این ادعا بر اجاره‌تانیه تمام نیست؛ زیرا بین این بحث و بحث اجاره‌تانیه تفاوت است و مضاربه‌تانیه به مزارعه‌تانیه نزدیک است نه اجاره‌تانیه؛ زیرا در مضاربه‌تانیه مانند بحث مزارعه‌تانیه،

سود بردن قطعی نیست. باید عامل تجارت کند و خرید و فروشی انجام دهد تا مشخص شود سود کرده یا نه؛ و در بسیاری از موارد به سبب وضعیت متفاوت بازار در زمان خرید و فروش؛ چه بسا عامل سود نکند یا حتی ضرر نماید؛ همچنانکه در مزارعه نیز تا محصولی به دست نیاید و فروخته نشود؛ معلوم نیست سودی به دست آمده یا خیر؛ بر خلاف باب اجاره ثانیه که وقتی مستاجر اول ملک را به مستاجر دوم اجاره می‌دهد؛ بهره‌مند شدن از اجاره‌بها قطعی است؛ لذا ادق آن است که روایات اجاره ثانیه و مزارعه ثانیه هر دو مورد دقت قرار گیرند.

بله در اجاره ثانیه سود به دست آمده برای مستاجر اول مشروعیت ندارد؛^{۱۱} اما در مضاربه ثانیه سود برای عامل اول مشروع است. چون همانطور که گفته شد در این بحث نص صریح مقبولی موجود نیست؛ لذا لازم است با تکیه بر قواعد موجود و نصوص دیگر ابواب سعی کرد به نظر صحیح دست پیدا کرد. اگر به نصوص باب مزارعه رجوع شود؛ خواهیم دید در عقود مثل مضاربه که کار از یک شخص است و سرمایه از دیگری؛ گونه‌ای از واسطه‌گری در تحصیل درآمد برای عامل اول مقبول دانسته شده است؛ هر چند خود به صورت مستقیم کاری انجام ندهد.

بررسی روایات باب مزارعه با هدف اثبات وجود معیار "کار غیر مستقیم دارای ریسک" در مضاربه ثانیه با در نظر گرفتن مقدماتی که توضیحش گذشت؛ به بررسی یکی از روایات مزارعه می‌پردازیم. در مزارعه ثانیه روایتی به این مضمون ذکر شده: سَهْلٌ بِنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَتَقْبَلُ الْأَرْضَ بِالثُلُثِ أَوْ الرُّبْعِ فَأَقْبَلَهَا بِاللِّصْفِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ قُلْتُ فَأَتَقْبَلُهَا بِأَلْفٍ دِرْهَمٍ فَأَقْبَلَهَا بِالْفَيْنِ قَالَ لَا يَجُوزُ قُلْتُ كَيْفَ جَارَ الْأَوَّلُ وَ لَمْ يَجْزِ الثَّانِي قَالَ لِأَنَّ هَذَا مَضْمُونٌ وَ ذَلِكَ غَيْرُ مَضْمُونٍ. (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۵، ص. ۲۷۲)؛ (به اباعبدالله گفتیم آیا می‌توانم زمین را در مقابل ثلث [محصول] یا یک چهارم قبول کنم و سپس آن را در قبال نصف [به دیگری] واگذار نمایم؟ فرمود ایرادی ندارد. گفتیم پس آیا می‌توانم زمین را در مقابل ۱۰۰۰ درهم قبول کنم و به ۲۰۰۰ درهم به دیگری بدهم؟ فرمود خیر. گفتیم چگونه فرض اول جایز بود و فرض دوم خیر؟ فرمود این [فرض دوم] مضمون است و آن [فرض اول] غیر مضمون.)

طبق این روایت وقتی مزارعه روی قسمت مشاعی از محصول بسته می‌شود و زمین از صاحب آن اخذ می‌گردد؛ عامل می‌تواند در قرارداد دیگری زمین را به عامل دوم واگذار کند و آن را طوری منعقد نماید که خودش نیز در محصول شریک گردد. این روایت صریح است و به صورت روشنی بر این امر دلالت دارد. اگر به این روایت اخذ شود؛ نظر فقهای که در باب مزارعه گفته‌اند عامل اول بدون کار حق بهره بردن از محصول را ندارد؛ مقبول نخواهد بود. حال قول حق کدام است؟ ظاهراً بحث یک بحث تعبدی نیست؛ چرا که امام علیه السلام در صدد تبیین چرایی پاسخ برآمده و در سوال راوی که چرا بین این دو فرض فرق می‌گذارید؛ می‌فرماید: "لِأَنَّ هَذَا مَضْمُونٌ وَ ذَلِكَ غَيْرُ مَضْمُونٍ." (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۵، ص. ۲۷۲)؛ اگر قسمت اخیر این روایت را منحصر در مزارعه ندانیم؛ - که حق همین است؛ زیرا این قسمت روایت به عنوان تعلیل است و

^{۱۱} این بحث به صورت مفصل در مقاله‌ای مستقل از صاحب همین پژوهش بررسی شده است. (دیانت، ۱۴۰۵)

علت این فتوا را توضیح داده؛ بنابراین حق همین است که آن را مختص مزارعه ثانیه ندانیم؛- در مضاربه نیز می‌توان با تمسک به آن گفت عامل اول هر چند کاری نکرده؛ می‌تواند در سود سهیم گردد.

عامل اول در مضاربه کاری بر عهده گرفته؛ اما اینکه سودی عائد او گردد؛ معلوم نیست. به عبارت دیگر، سود در مضاربه برای عامل غیر مضمون است و این امر، فارق مضاربه و اجاره است؛ همچنانکه فارق مزارعه و اجاره است؛ لذا عامل در مضاربه مجاز خواهد بود در طول مضاربه اول، کار را به دیگری واگذار نماید و خود نیز در سود محتمل شریک گردد. این بحث چون مبتنی بر مزارعه ثانیه و مشروعیت درآمد سود برای عامل اول در آن است؛ در مقاله‌ای مستقل ارائه شده و در اختیار پژوهش‌گران است. (دیانت‌مقدم، ۱۴۰۵)؛ نتیجه اینکه مبتنی بر روایات باب مزارعه و توسعه آن به ابواب دیگر از جمله مضاربه، در مضاربه نیز این پژوهش مایل به پذیرش مشروعیت سود برای عامل اول است؛ هر چند عامل اول کاری از تجارت و مقدمات آن را بر عهده نگیرد. طبق این مبنا عامل اول می‌تواند مضاربه ثانیه را طوری منعقد نماید که سهم مالک به صورت کامل داده شود و خودش نیز در سود سهیم گردد. این معیار، «کار غیر مستقیم با پذیرش ریسک» است که هم در مزارعه ثانیه و هم در مضاربه ثانیه وجود دارد و باعث مشروعیت درآمد است؛ اما چون در اجاره ثانیه چون از یک سو درآمد قطعی است و ریسکی وجود ندارد و از سوی دیگر کاری هم از سوی مستاجر اول صورت نگرفته؛ مبتنی بر روایات درآمدی که از طریق اجاره ثانیه به مستاجر اول می‌رسد؛ مشروعیت ندارد.

ضرورت ادامه پژوهش

در بحث مضاربه دو مسئله شرط کردن مقداری از ربح برای اجنبی بدون انجام کار و شرط کردن جبران خسارت توسط عامل باید با دقت مورد پژوهش قرار گیرند؛ و بررسی گردد فقها مبتنی بر چه معیاری چنین شروطی را رد کرده و یا پذیرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

مبتنی بر تعلیلی که در روایت باب مزارعه بیان شده؛ یعنی «لِأَنَّ هَذَا مَضْمُونٌ وَ ذَلِكَ غَيْرُ مَضْمُونٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۵، ص. ۲۷۲)؛ طبق نظر این پژوهش، این دلیل به هر بابی که مانند مزارعه باشد؛ توسعه داده می‌شود؛ بنابراین عامل در مضاربه ثانیه مجاز خواهد بود در طول مضاربه اول، کار را به دیگری واگذار نماید و خود نیز در سود محتمل شریک گردد.

سپاس‌گزاری

این مقاله با پشتیبانی و حمایت مالی و معنوی حوزه علمی خراسان و مدرسه عالی فقاقت عالم آل محمدص به سامان رسیده است.

منابع

۱. ابن براج. (۱۴۰۶ ق). المذهب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن براج. (۱۴۱۱ ق). جواهر الفقه-العقائد الجعفرية. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. اسپهیدی، عبدالعلی. (۱۳۵۷ ش). اقتصاد ما. تهران: انتشارات اسلامی.
۴. اشعری. (۱۴۰۸ ق). النوادر. قم: مدرسة الإمام المهدي ع.

۵. اردبیلی. (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. بجنوردی، محمدکاظم. (۱۳۵۰ ش). اقتصاد ما. تهران: انتشارات اسلامی.
۷. بحرانی. (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. بحرینی، محمدحسین. (۱۴۰۱ ش). بررسی نظریه ریسک (مخاطره) در اقتصاد اسلامی با رویکرد فقهی. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵ (۱۲).
۹. بصری بحرانی، زین الدین. (۱۴۱۳ ق). کلمة التقوی. چاپ سوم. قم: سید جواد وداعی.
۱۰. بکناش، محمدکاظم. (۱۳۹۱ ش). مشروعیت درآمدزایی. ریسک و مخاطره در بازارهای مالی از دیدگاه فقه امامیه. مجله معرفت اقتصاد اسلامی، ۷، ۱۱۵-۱۴۲.
۱۱. حر عاملی. (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۱۲. حکیم، محسن. (۱۴۱۶ ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسة دار التفسیر.
۱۳. حلبی، ابوالصلاح. (۱۴۰۳ ق). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین ع.
۱۴. حلی، ابن ادریس. (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۲۵ ق). تحریر الوسيلة. ترجمه. اسلامی علی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. خمینی، سیدروح‌الله. (بی‌تا). تحریر الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۱۷. خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۹۲ ش). تحریر الوسيلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۸ ق). موسوعة الإمام الخوئي. قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئي.
۱۹. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۹ ق). مباني العروة الوثقی. قم: منشورات مدرسة دار العلم.
۲۰. سبحانی، جعفر. (۱۴۱۶ ق). نظام المضاربة في الشريعة الإسلامية الغراء. قم: مؤسسه امام صادق ع.
۲۱. سبزواری، سیدعبدالأعلى. (۱۴۱۳ ق). مهذب الاحكام. قم: مؤسسه المنار، دفتر حضرت آیت‌الله.
۲۲. سلار. (۱۴۰۴ ق). المراسم العلوية و الأحكام النبوية في الفقه الإمامی. قم: منشورات الحرمین.
۲۳. شبیری، سیدجواد. (۱۳۷۶ ش). نوادر احمد بن محمد بن عیسی یا کتاب حسین بن سعید؟. آینه پژوهش. ۴۶. ۲۳-۲۶.
۲۴. شریف مرتضی. (۱۴۱۵ ق). الانتصار في انفرادات الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. شهید ثانی. (۱۴۱۳ ق). مسالك الأفهام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۲۶. شهید ثانی. (۱۴۱۰ ق). الروضة البهية. کلاتر. سید محمد. قم: کتابفروشی داوری.
۲۷. صدوق. (۱۴۱۵ ق). المقنع. قم: مؤسسه امام هادی ع.
۲۸. صدر، سیدمحمدباقر. (۱۳۸۲ ش). اقتصادنا. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب.
۲۹. صدر، سیدمحمدباقر. (۱۴۲۴ ق). اقتصادنا. چاپ دوم. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۳۰. کلینی. (۱۴۲۹ ق). الکافی. قم: دارالحدیث.
۳۱. کلینی. (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۲. طوسی، ابوجعفر. (۱۳۹۰ ق). الإستبصار فيما اختلف من الأخبار. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۳. طوسی، ابوجعفر. (۱۳۶۳ ش). الإستبصار فيما اختلف من الأخبار. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۴. طوسی، ابوجعفر. (۱۴۰۷ ق). تهذیب الأحكام (تحقیق خرسان). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۵. طوسی، ابوجعفر. (۱۴۰۷ ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

٣٦. طوسی، ابوجعفر. (١٣٨٧ ق). المبسوط في فقه الإمامية. تهران: المكتبة المرتضوية.
٣٧. طوسی، ابوجعفر و ابن براج. (١٤١١ ق). جواهر الفقه. العقائد الجعفرية. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٣٨. علامة حلي. (١٣٨٨ ق). تذكرة الفقهاء (القديمة). قم: مؤسسه آل البيت ع.
٣٩. علامة حلي. (١٤٢٠ ق). تحرير الأحكام الشرعية (الحديثة). قم: مؤسسه امام صادق ع.
٤٠. علامة حلي. (١٤١٣ ق). مختلف الشيعة. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٤١. علامة حلي. (١٤١٢ ق). نكت النهاية (النهاية و نكتها). قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٤٢. علامة حلي. (١٤١٣ ق). قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٤٣. علامة حلي. (١٤٠١ ق). أجوبة المسائل المَهَنائية. دريك جلد. قم: چاپخانه خيام.
٤٤. كاشف الغطاء، حسن. (١٤٢٢ ق). أنوار الفقاهة. كتاب المزارعة. نجف: مؤسسه كاشف الغطاء.
٤٥. نجفی، محمدحسن. (١٤٠٤ ق). جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٤٦. محقق حلي. (١٤٠٨ ق). شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعيليان.
٤٧. محقق سبزوای. (١٤٢٣ ق). كفاية الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٤٨. محقق كركي. (١٤١٤ ق). جامع المقاصد في شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت ع.
٤٩. محمدي، مهدي؛ الاهي، محمد. (١٤٠٠ ش). بررسی مشروعیت كسب درآمد از پذیرش ريسك با تأكيد بر آرای شهيد صدر. مجلة پژوهش های راهبردی بودجه و مالی. دورة دوم. شماره ٣.
٥٠. مصباحي مقدم، غلامرضا؛ صفري، محمد. (١٣٨٨ ش). بررسی درآمد حاصل از تحمل ريسك. مجلة اقتصاد اسلامي. دورة. نهم. شماره. ٣٦.
٥١. المفيد. (١٤١٣ ق). المقنعة. قم: كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد.
٥٢. مكارم شيرازي، ناصر. (١٣٩٦ ش). كتاب المضاربه. اصفهان: مركز تحقيقات رايانه ای قائمیه.
٥٣. موسوی اردبیلی. (١٤٢١ ق). فقه المضاربه. قم: مؤسسه النشر لجامعة المفيد.
٥٤. ميرمعزی، سيدحسين. (١٣٨٢ ش). بورس بازی از دیدگاه فقه. فصلنامه اقتصاد اسلامي. ٣ (٩).
٥٥. هاشمی شاهرودي. (١٤٣٢ ق). كتاب المضاربه. قم: مركز اهل البيت ع للفقہ.
٥٦. يزدي، سيدكاظم. (١٤٣٧ ق). العروة الوثقي و التعليقات عليها. قم: مؤسسه السبطين.
٥٧. يزدي، سيدكاظم. (١٤٢٨ ق). العروة الوثقي مع التعليقات. قم: ناشر: انتشارات مدرسه امام علي بن ابي طالب ع.
٥٨. يزدي، سيدكاظم. (١٤١٩ ق). العروة الوثقي المحشى. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٥٩. يزدي، سيدكاظم. (بيتا). العروة الوثقي مع تعليقات الفاضل. قم: مركز فقهی ائمه اطهار ع.
٦٠. يزدي، سيدكاظم. (١٤٠٩ ق). العروة الوثقي. بيروت: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات.
٦١. يوسفی، احمدعلي. (١٤٠١ ش). بررسی فقهی كسب سود بدون قبول ريسك سرمايه. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامي، ٢٢، (٨٧).